



نشر نویسه پاریس

زبان فارسی را چگونه آموزش دهیم

نویسنده:

دکتر رضامراد صحرایی

(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی فیبا

صحرانی، رضامراد
زبان فارسی را چگونه آموزش دهیم / نویسنده رضامراد صحرانی؛ ویراستار پریسا بخشنده.
تهران : نشر نویسه پارسی، ۱۳۹۹
۲۸۰ صفحه
۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۶-۱۵-۸

عنوان دیگر
یادداشت
یادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
ویراستار
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

How to teach Persian
پشت جلد به انگلیسی: Reza M. Sahraee. How to Teach Persian
کتاب حاضر با حمایت معنوی دانشگاه علامه طباطبائی منتشر شده است.
فارسی -- کتاب‌های درسی برای خارجی‌ان Persian Language -- Textbooks for Foreign Speakers
زبان‌شناسی کاربردی - آموزش زبان Applied Linguistics
فارسی -- راهنمای آموزشی - خارجی‌ان Persian Language -- Study and Teaching
آموزش زبان دوم / خارجی Second/foreign Language Teaching
مهارت‌های زبانی Language Skills
صحرانی، رضامراد، ۱۳۵۵ - ، نویسنده
بخشنده، پریسا، ۱۳۶۵ - ، ویراستار
دانشگاه علامه طباطبائی - Allame Tabatabaee University
PIR۲۸۷۷
۸۵۳۴/۴
۷۳۶۳۲۲۵



نشر نویسه پاریس

زبان فارسی را چگونه آموزش دهیم

نویسنده: دکتر رضامراد صحرایی

ویراستار: پریسا بخشنده / نمونه خوان: مریم کاظمی بهار

آتلیه نشر نویسه پاریس: STUDIO FIVE

ناشر: نشر نویسه پاریس

دفتر انتشارات: ۰۲۱-۷۷۰۵۳۲۴۶

نماینده فروش: کتابفروشی توس: ۶۶۴۶۱۰۰۷

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲

وبگاه: www.neveeseh.com

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۶-۱۵-۸

چاپ و صحافی: روز

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به «نشر نویسه پاریس» است.
تکثیر و انتشار این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، بدون مجوز قبلی و کتبی
ممنوع و مورد پیگیری قانونی قرار خواهد گرفت.

زبان‌شناسی کاربردی	شماره مسلسل انتشارات
۱۶	۱۱۰

این اثر صرفاً با حمایت معنوی دانشگاه علامه طباطبائی منتشر شده است.



فهرست مطالب

پیشگفتار نویسنده..... ۹

■ فصل اول: مبانی آموزش زبان / ۱۳ ■

- ۱- ۱. ماهیت آموزش زبان..... ۱۵
- ۱- ۲. برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش..... ۱۸
- ۱- ۳. روش تدریس..... ۱۹
- ۱- ۴. سیر تکوین روش‌های تدریس زبان..... ۲۳
- ۱- ۵. اصول آموزش زبان..... ۲۷
- ۱- ۶. یادگیرنده‌محوری چیست؟..... ۳۲
- ۱- ۷. جمع‌بندی..... ۳۴
- سؤالات فصل..... ۳۵
- منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر..... ۳۹

■ فصل دوم: آموزش مهارت شنیدن / ۴۱ ■

- ۲- ۱. شنیدن چیست؟..... ۴۳
- ۲- ۲. اصول آموزش مهارت شنیدن..... ۴۷
- ۲- ۳. راهبردها و نکات آموزش مهارت شنیدن..... ۵۰
- ۲- ۴. یک تجربه، چند راهبرد..... ۵۳
- ۲- ۵. جمع‌بندی..... ۵۶
- سؤالات فصل..... ۵۷
- منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر..... ۶۰

■ فصل سوم: آموزش مهارت صحبت کردن / ۶۱ ■

- ۳- ۱. مهارت صحبت کردن و توانش‌ها..... ۶۳
- ۳- ۲. دوزبانگی..... ۶۷
- ۳- ۳. گونه‌های زبان..... ۶۸
- ۳- ۴. مهارت صحبت کردن..... ۶۹
- ۳- ۵. گوینده خوب..... ۷۰
- ۳- ۵-۱. تلفظ..... ۷۱

۷۱	۲-۵-۳. کارکردهای زبان.....
۷۱	۳-۵-۳. مهارت‌های تعاملی.....
۷۲	۴-۵-۳. کلام گسترده.....
۷۳	۶-۳. اصول آموزش صحبت کردن.....
۷۶	۷-۳. آموزش مهارت صحبت کردن با استفاده از مهارت‌های دیگر.....
۷۸	۱-۷-۳. تفاوت و شباهت را پیدا کن.....
۸۰	۲-۷-۳. صندلی داغ.....
۸۰	۳-۷-۳. درباره تصویر صحبت کن.....
۸۱	۴-۷-۳. فیلم کوتاه.....
۸۱	۵-۷-۳. بیست سؤالی.....
۸۲	۸-۳. جمع‌بندی.....
۸۳	سؤالات فصل.....
۸۵	منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر.....

■ فصل چهارم: آموزش مهارت خواندن / ۸۷ ■

۸۹	۱-۴. خواندن چیست؟.....
۹۱	۲-۴. مدل فعال خواندن.....
۹۸	۳-۴. رابطه بین مراحل آموزش مهارت خواندن و فرایند خواندن.....
۱۰۱	۴-۴. جمع‌بندی.....
۱۰۱	سؤالات فصل.....
۱۰۴	منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر.....

■ فصل پنجم: آموزش مهارت نوشتن / ۱۰۵ ■

۱۰۷	۱-۵. نوشتن چیست؟.....
۱۰۹	۲-۵. رویکردهای نوشتن.....
۱۱۱	۳-۵. نمونه کلاس نوشتن.....
۱۱۴	۴-۵. اصول آموزش نوشتن.....
۱۱۶	۵-۵. نظام‌های نوشتاری.....
۱۱۹	۶-۵. نکات کاربردی.....
۱۲۱	۷-۵. جمع‌بندی.....

سؤالات فصل.....	۱۲۱
منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر.....	۱۲۴

■ فصل ششم: آموزش تلفظ و مشکلات آن / ۱۲۵ ■

۱-۶. آموزش تلفظ و مشکلات آن.....	۱۲۷
۲-۶. ویژگی آوایی زبان.....	۱۳۰
۳-۶. نمونه کلاس آموزش تلفظ.....	۱۳۱
۴-۶. ویژگی کلاس آموزش تلفظ و آموزش الفبا.....	۱۳۳
۵-۶. اصول آموزش تلفظ.....	۱۳۶
۶-۶. جمع‌بندی.....	۱۳۹
سؤالات فصل.....	۱۴۰
منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر.....	۱۴۲

■ فصل هفتم: آموزش واژه / ۱۴۳ ■

۱-۷. واژه را چگونه آموزش دهیم؟.....	۱۴۵
۲-۷. چهار اصل مهم در آموزش واژه.....	۱۵۲
۳-۷. راهبردهای آموزش واژه.....	۱۵۸
۴-۷. جمع‌بندی.....	۱۶۴
سؤالات فصل.....	۱۶۵
منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر.....	۱۶۷

■ فصل هشتم: آموزش دستور / ۱۶۹ ■

۱-۸. مقدمه.....	۱۷۱
۲-۸. تعریف‌ها و رویکردها.....	۱۷۴
۳-۸. دستور آموزشی.....	۱۷۷
۴-۸. اصول آموزش دستور زبان.....	۱۷۸
۵-۸. تکنیک‌های آموزش دستور.....	۱۸۲
۶-۸. چند تکنیک دیگر برای آموزش دستور.....	۱۸۴
۷-۸. دونه فعالیت کلاسی در قالب مثلث دستور آموزشی.....	۱۸۶
۸-۸. جمع‌بندی.....	۱۸۸

سؤالات فصل.....	۱۸۹
منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر.....	۱۹۱

■ فصل نهم: سبک‌ها و راهبردهای یادگیری / ۱۹۳ ■

۱-۹. سبک‌های یادگیری.....	۱۹۵
۲-۹. راهبردهای یادگیری.....	۱۹۹
۳-۹. راهبردهای شناختی.....	۲۰۱
۴-۹. راهبردهای بینافردی.....	۲۰۶
۵-۹. راهبردهای زبانی.....	۲۰۷
۶-۹. راهبردهای عاطفی.....	۲۱۱
۷-۹. راهبرد خلاق.....	۲۱۳
۸-۹. اصول و اهمیت آموزش مبتنی بر سبک‌ها و راهبردها.....	۲۱۴
۹-۹. جمع‌بندی.....	۲۱۶
سؤالات فصل.....	۲۱۷
منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر.....	۲۱۹
فهرست منابع.....	۲۲۱
پاسخ‌نامهٔ سؤالات فصل.....	۲۲۹
واژه‌نامه.....	۲۶۹

آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان سابقه بسیار طولانی دارد. از حداقل دو قرن پیش، در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان، از شبه‌قاره هند و چین گرفته تا اروپا و آمریکا، آموزش زبان فارسی رایج بوده است. فارسی‌آموزان خارجی، به‌ویژه دانشجویان، با اهداف مختلفی سعی در یادگیری زبان فارسی داشته‌اند؛ برخی فارسی را برای شناخت بیشتر می‌آموزند (= دانشجویان رشته‌های ایران‌شناسی و شرق‌شناسی در خارج از ایران) و برخی دیگر عاشق و شیفته ادبیات غنی و بی‌مانند زبان فارسی هستند (= عمده دانشجویان شبه‌قاره هند و سایر کشورها). برخی با اهداف تجاری فارسی را می‌آموزند (= بسیاری از فارسی‌آموزان جوان ترک و عرب) و برخی دیگر با اهداف سیاسی (= مانند دانشجویان رشته مطالعات منطقه‌ای در دانشگاه‌های اروپایی و آسیایی و فرزندان و خانواده‌های دیپلمات‌های خارجی مقیم ایران). برخی برای اهداف مذهبی، به‌ویژه آشنایی با فقه پویای شیعه فارسی را می‌آموزند (= طلاب و دانشجویان مراکز دینی؛ در رأس آنها جامعة المصطفی العالمیه) و برخی دیگر برای اهداف سیاحتی و گردشگری و آشنایی با تاریخ جذاب و عبرت‌آموز کهن‌ترین تمدن بشری (= گردشگران و دانشجویان خارجی رشته تاریخ ایران و تاریخ جهان). کم نیستند کسانی که فارسی زبان میراثی آنها است و به عشق والدین و مام میهن؛ فارسی را می‌آموزند (= ایرانیان خارج از کشور). بسیاری از خارجیان، فارسی را با اهداف دانشگاهی می‌آموزند تا برای تحصیل به ایران بیایند. بی‌شک، تنوع فارسی‌آموزان خارجی تنها به این گروه‌ها محدود نمی‌شود.

در بسیاری از کشورهای جهان، فارسی در مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تدریس می‌شود (از جمله در ترکیه، قرقیزستان، گرجستان، ارمنستان، قزاقستان، روسیه، لبنان و آلمان). در بیش از ۶۰ کشور جهان، علاوه بر دانشگاه‌ها و مدارس، زبان فارسی در مراکز و مؤسسه‌های آموزشی آزاد نیز تدریس می‌شود.

تنوع فارسی‌آموزان خارجی، در کنار تفاوت‌های فردی آنها و سایر عوامل تأثیرگذار در یادگیری زبان دوم (مانند سن، جنس، زبان اول، نظام آموزشی و مانند اینها)، تربیت معلمان و مدرسان حرفه‌ای برای آموزش ساده، سریع، انگیزه‌بخش و

مؤثر زبان فارسی را به یک ضرورت قطعی و غیرقابل اجتناب بدل ساخته است. برای آموزش اثربخش زبان فارسی تسلط کافی بر این زبان و آشنایی با روش‌ها و فنون تدریس آن لازم است اما کافی نیست. معلم موفق زبان فارسی کسی است که بتواند اصول و فنون آموزشی را به خوبی و به درستی بکار ببندد. اینجاست که فرق عالم و معلم نمایان می‌شود. در همه رشته‌های تحصیلی، از جمله رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، عالمان (= فارغ‌التحصیلان و تحصیل‌کردگان) زیادی وجود دارد؛ اما همه آنها لزوماً معلمان خوب و موفقی نیستند. معلمی ترکیبی است از هنر، مهارت و البته عشق! معلم موفق کسی است که دانش و آموخته‌های علمی خود را به فن و مهارت تبدیل می‌کند و از این طریق یادگیری زبان فارسی را برای مخاطبان خودش لذت‌بخش و خاطره‌انگیز می‌سازد.

کتاب حاضر با همین هدف تألیف شده است. در این کتاب، بر آن بوده‌ایم تا اصول و فنون آموزش مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبان فارسی را به زبانی ساده و فهما بیان کنیم. محتوای این کتاب برگرفته از مجموعه کلیپ‌های آموزشی نگارنده در دوره غیرهمزمان آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان است که توسط بنیاد سعدی در سال ۱۳۹۹ طراحی و اجرا شد. در آن دوره آموزشی، که هنگام تألیف این کتاب حدود ۳۵۰ استاد و مدرس زبان فارسی از بیش از ۳۰ کشور جهان در آن شرکت کرده بودند، ۵۴ قطعه ویدئوی آموزشی ۷ تا ۱۰ دقیقه‌ای ضبط و موشن‌گرافی شده بود.

اگرچه هنگام پیاده‌سازی آن ویدیوها تلاش شد که سبک متن به فارسی نوشتاری معیار بسیار نزدیک شود اما در مواردی هنوز سبک بیان مطالب فارسی گفتاری است.

این کتاب در ۹ فصل مجزا تألیف شده است. پس از فصل مقدمه، که درباره مسائل کلی آموزش زبان دوم / خارجی است، فصل‌های ۲ تا ۵ به ترتیب به آموزش مهارت‌های «شنیدن»، «صحبت کردن»، «خواندن» و «نوشتن» اختصاص یافته‌اند. فصل ششم درباره آموزش «تلفظ» است و فصل‌های ۷ و ۸ به ترتیب به آموزش «واژه» و «دستور زبان فارسی» اختصاص یافته‌اند. فصل پایانی نیز درباره «سبک‌ها و راهبردهای یادگیری» است. در انتهای هر فصل، یک آزمونک طراحی

شده است تا خواننده در پایان فصل، میزان فهم و درک خود را مورد سنجش قرار دهد. پاسخ سؤال‌های این آزمونک‌ها در انتهای کتاب به صورت تشریحی ارائه شده است. همچنین، در پایان هر فصل مهم‌ترین منابع مورد استفاده نگارنده ارائه شده است که می‌تواند برای مطالعه بیشتر خوانندگان نیز سودمند باشند. مخاطبان اصلی این کتاب همهٔ استادان و مدرسان زبان فارسی در داخل و خارج از ایران هستند. بعلاوه، این کتاب می‌تواند منبع قابل اتکایی برای دو واحد درسی «اصول و فنون آموزش مهارت‌های زبانی» و «تدریس عملی» در دوره کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان باشد.

در پیاده‌سازی محتوای ویدیوهای آموزشی جمعی از همکاران بنیاد سعدی کمک شایان توجهی کردند؛ به ویژه سرکار خانم مریم کاظمی بهار و جناب آقای امیر احمدی و جناب آقای دکتر احسان طوفانی‌نژاد؛ از ایشان صمیمانه سپاسگزارم. در طراحی آزمونک‌ها و تدوین منابع، آقای غلامحسین رضاپور دستیار بسیار قابل اعتمادی بود، از ایشان تشکر می‌کنم. همچنین از سرکار خانم پریسا بخشنده که بخش دشوار ویراستاری محتوای پیاده‌سازی شدهٔ ویدیوهای آموزشی را برعهده گرفتند سپاسگزارم. در پایان، از نشر نویسه پارس، به ویژه مدیر محترم این نشر فاخر، جناب آقای امیر احمدی، به خاطر اهتمام ایشان در انتشار این کتاب صمیمانه سپاسگزارم.

رضامراد صحرایی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

آبان ماه ۱۳۹۹

○

فصل اول: مبانی آموزش زبان

۱-۱. ماهیت آموزش زبان

آموزش زبان دوم / خارجی فارغ از اینکه چه زبانی باشد، یک حرفه است و باید مانند سایر حرفه‌ها براساس اصول و فنون خودش طراحی و اجرا شود. همانطور که در سراسر جهان برای رشته‌های مختلف، انجمن‌های تخصصی و حتی اتحادیه‌های مربوط به مشاغل و حرفه‌های مختلف وجود دارد، برای مثال انجمن پزشکان، مهندسان، پرستاران و مانند اینها، درمورد حرفه آموزش زبان نیز این موضوع صادق است، به‌ویژه آموزش زبان فارسی که دارای ویژگی‌های خاصی است و باید مانند سایر زبان‌های دیگر آموزش داده شود.

نگاه حرفه‌ای، اولین گام موفقیت در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است. اینکه هر شخصی که فارسی می‌داند، می‌تواند فارسی را آموزش دهد، نخستین سوءبرداشت در آموزش زبان فارسی است. همچنین، هر شخصی که در رشته‌ای مرتبط با زبان فارسی مانند زبان‌شناسی یا زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرده است می‌تواند زبان فارسی را آموزش دهد، سوءبرداشتی دیگر است.

در ایران، مقطع دکتری رشته زبان انگلیسی با گرایش‌های آموزش، ادبیات و مترجمی وجود دارد. اینکه چرا برای زبان‌های خارجی تا مقطع دکتری، تخصصی و حرفه‌ای نگاه کرده‌ایم اما برای آموزش زبان فارسی به ایرانیانی که فارسی‌زبان نیستند به‌طورعموم، و خارجیان و ایرانیان خارج از کشور به‌طورخاص، این نگاه حرفه‌ای را نداشته‌ایم، پرسشی است که باید به آن بیاندیشیم.

در آغاز سخن، به رفع سوءتفاهم‌ها و برداشت‌های نادرست در این حوزه می‌پردازیم؛ شخصی که زبان فارسی می‌داند لزوماً نمی‌تواند معلم فارسی باشد؛ اگر چنین باشد، به تعداد فارسی‌زبانان می‌توانیم معلم زبان فارسی داشته باشیم، حال آنکه این موضوع نادرست است. نکته دوم اینکه آموزش زبان فارسی با آموزش ادبیات فارسی یا زبان‌شناسی متفاوت است و مقتضیات و ویژگی‌های خاص خود را دارد.

گام نخست، نگاه حرفه‌ای به آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است. این حرفه مانند هر حرفه دیگری اصول، فنون و ابزارهای خاص و مهم‌تر از همه

خاستگاه خاص خود را دارد. پیش از پرداختن به این موارد، بهتر است بدانیم که علم آموزش زبان دوم / خارجی به طور عام، که در مورد فارسی هم به طور خاص صادق است، دارای چه پایگاه علمی است و از کجا تأثیر می پذیرد. به طور کلی آموزش زبان در سه ساحت «فلسفه»، «روان شناسی» و «زبان شناسی» ریشه دارد:

«فلسفه»، یعنی نوع نگاهمان به مقولهٔ زبان به طور عام. شخصی که معلم زبان فارسی می شود باید کمی دربارهٔ فلسفه خود فکر کند. اینکه می گوئیم باید فلسفه بدانند به این معنا نیست که رشتهٔ او فلسفه باشد، بلکه باید نگاه خود نسبت به زبان را بررسی کند؛ یعنی دیدگاهش نسبت به زبان چیست یا در سطحی فراتر، چه نگرشی نسبت به انسان دارد؟ فلسفه، مادر علوم است و طبیعتاً بر روان شناسی و زبان شناسی هم تأثیر می گذارد. اگر در فلسفه، معتقد باشیم که انسان پدیده‌ای کاملاً مادی است؛ در یادگیری و آموزش، تابع روان شناسی ای خواهیم بود که همه چیز را در گروی محیط می داند؛ یعنی روان شناسی رفتارگرا^۱. در زبان شناسی هم تابع گرایش و دیدگاهی خواهیم بود که آموزش زبان را معادل آموزش دستور زبان می داند و زبان را هم معادل دستور آن تلقی می کند؛ یعنی زبان شناسی ساختگرا. از سوی دیگر، اگر فلسفه ما این باشد که انسان یک موجود صد درصد مادی نیست بلکه ویژگی های پیشین و اکتسابی نیز دارد، روان شناسی ما از رفتارگرا به سوی روان شناسی شناختی^۲ و همچنین روان شناسی گشتالتی^۳ سوق پیدا می کند. بنابراین، انسان را به عنوان یک موجود کاملاً زمینی تحلیل نمی کنیم و یادگیری او را هم فقط مستقیم و تقلیدی نمی دانیم. زبان شناسی مان نیز تغییر خواهد کرد و زبان را معادل ساختارها و دستور نمی پنداریم؛ بلکه زبان را وسیله ای برای ارتباط در نظر می گیریم. برهم کنش فلسفه، روان شناسی و زبان شناسی، در آموزش زبان به طور کامل متجلی می شود. اگر در آموزش زبان فلسفهٔ پوزیتیویست^۴، ثبوت گرایی یا فلسفه تجربه گرا^۵ را انتخاب کنیم،

^۱ behavioral psychology

^۲ cognitive psychology

^۳ gestalt psychology

^۴ positivism

^۵ Empiricism

روانشناسی ما مبتنی بر تکرار خواهد بود و در این شرایط، آموزش زبان یعنی تکرار، تقلید و تمرین. بنابراین آموزش زبان نیز در حوزهٔ زبان‌شناسی یعنی هر شخصی که دستور زبان بداند؛ زبان را یاد گرفته است. اگر فلسفهٔ ما تغییر یابد و بخشی از ویژگی‌های انسان را ذاتی بینداریم، پس در روان‌شناسی، پیرو روان‌شناسان گشتالتی خواهیم بود. در این نوع روان‌شناسی، کل مساوی با اجزا نیست، بلکه مساوی با اجزا به علاوه رابطهٔ آنهاست. به همین ترتیب در زبان‌شناسی، زبان را متشکل از ساختارهای دستوری و همچنین وسیله‌ای برای ارتباط در نظر می‌گیریم. اما اگر تابع فلسفه خردگرا^۱ باشیم، روان‌شناسی شناختی را می‌پذیریم؛ یعنی بخشی از توانایی یادگیری را پیشینی و متأثر از دستگاه شناختی عام می‌پنداریم. در نتیجه آموزش زبان دائماً تحت تأثیر یافته‌های فلسفه، روان‌شناسی و زبان‌شناسی است.

این تأثیر از زبان‌شناسی و روان‌شناسی به صورت مستقیم و از فلسفه غیرمستقیم و به واسطهٔ زبان‌شناسی و روان‌شناسی است. برای اینکه نگاه حرفه‌ای و دقیقی به آموزش زبان داشته باشیم باید ببینیم که انسان را چگونه موجودی در نظر گرفته‌ایم (فلسفه)، سپس فکر کنیم که انسان چگونه می‌آموزد (روان‌شناسی) و همچنین باید بدانیم که زبان از نظر ما به چه معناست، آیا ما زبان را معادل دستور زبان می‌دانیم یا معادل یک وسیلهٔ ارتباطی که دستور زبان هم در خدمت آن قرار می‌گیرد (زبان‌شناسی). برهم‌کنش این سه حوزه «آموزش زبان» را خواهد ساخت.

با این مقدمهٔ کوتاه، بیان می‌کنیم که تمرکز ما بر آموزش زبان است و در بخش‌های بعد ساحت‌هایی که آموزش زبان از آنها تأثیر می‌پذیرد را معرفی خواهیم کرد.

^۱ rationalism

۲-۱. برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش

در این بخش به «ساخت‌های گوناگون آموزش زبان» می‌پردازیم. آموزش زبان فارسی یا آموزش زبان خارجی به‌طور کلی سه ساخت اصلی دارد: «برنامه‌ریزی^۱»، «آموزش^۲» و «سنجش^۳».

رابطه بین برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش یک رابطه کاملاً پویا^۴ است. نحوه برنامه‌ریزی ما بر نحوه آموزش و نحوه آموزش ما بر نحوه سنجش تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، تصور کنید یک سازمانی که آزمون ورودی دانشگاه‌های ایران را برگزار می‌کند یا سازمان‌هایی که چنین آزمون‌هایی را در کشورهای دیگر برگزار می‌کنند، اعلام کنند که برای سنجش توانایی زبان خارجی افراد، تمام داوطلبان باید در مصاحبه حضوری شرکت کنند و یک متن نیز بنویسند، طبیعتاً این نوع سنجش بر کل آموزش تأثیر می‌گذارد و خودش نیز از برنامه‌ریزی تأثیر می‌پذیرد. همچنین، بر برنامه‌ریزی آموزشی نیز تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، برنامه‌ریزی، سنجش و آموزش با یکدیگر، یادگیری خوب، هدفمند، مؤثر و مانا را به‌دنبال دارند. گاهی مواقع تجربه کرده‌ایم که افرادی ساعت‌ها در کلاس حضور دارند اما چیزی یاد نمی‌گیرند. مقصر اصلی در چنین شرایطی تنها معلم یا زبان‌آموز نیست؛ بلکه نحوه برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش است.

یادگیری یک گوهر است که در صدفی شکل می‌گیرد و سه وجه این صدف؛ برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش است. معلم خوب زبان فارسی باید برنامه‌ریزی، آموزش، طراحی محتوا، روش‌های آموزش و روش‌های موجود سنجش یادگیری زبان فارسی را به‌خوبی بداند و اگر همه این عوامل را به‌درستی بداند و با هماهنگی به‌کار گیرد، در موفقیت زبان‌آموز خود نباید هیچ تردیدی داشته باشد. به بیان ساده‌تر، برنامه آموزش زبان فارسی از سه بخش اصلی زیر تشکیل شده است:

¹ planning

² teaching

³ assessing

⁴ dynamic

بخش اول: طراحی «طرح درس»^۱ یعنی طراحی محتوای آموزشی، به عبارت دیگر «چه چیزی را درس بدهیم؟».

بخش دوم: «روش تدریس»^۲ یعنی «چگونه آن را درس بدهیم؟»، روال‌ها و فنون کلاس‌داری.

بخش سوم: «سنجش»^۳ که بر خروجی‌ها و برون‌دادهای یادگیری تمرکز دارد؛ یعنی «چگونه یادگیری را مورد ارزشیابی و سنجش قرار دهیم؟»

بنابراین، یک معلم زبان فارسی برای موفقیت در کار خود، همواره باید سه اصل پیش‌گفته را مبنای فعالیت‌های آموزشی خود قرار دهد که عبارتند از: «چه چیزی را درس بدهم (محتوا؟)»، «چگونه آن را درس بدهم (روش تدریس؟)» و «چگونه یادگیری آن را بسنجم و ارزیابی کنم (آزمون‌سازی؟)». این سه با یکدیگر، یک آموزش زبان موفق را برای ما به ارمغان خواهد آورد.

در ادامه روش‌های تدریس زبان فارسی معرفی می‌کنیم، درواقع، بر یکی از ضلع‌های این مثلث، یعنی ضلع روش‌شناسی آموزش زبان، تمرکز می‌کنیم. برنامه درسی ما شش بخش اصلی دارد: مهارت شنیدن، مهارت صحبت کردن، مهارت نوشتن، مهارت خواندن و دو مؤلفه مهم واژه و دستور. البته به تلفظ، مکالمه و گفتمان نیز توجه خواهیم کرد. با این مقدمه، روش‌شناسی آموزش زبان فارسی و آموزش فنون و مهارت‌ها و زیرمهارت‌های را بررسی خواهیم کرد.

۱-۳. روش تدریس

همانطور که بیان شد، آموزش زبان سه ساحت اصلی دارد: برنامه‌ریزی، آموزش و سنجش. رابطه این سه با یکدیگر رابطه‌ای فرآیندی است؛ به این معنا که بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. ابتدا باید بدانیم که تا چه اندازه برنامه‌ریزی

^۱ syllabus design

^۲ methodology

^۳ assessment

^۴ outputs

درست بر نحوه آموزش و تا چه حد این دو، بر نحوه سنجش دانش، توانش و مهارت‌های زبان فارسی تأثیر می‌گذارد. در ادامه قصد داریم روش تدریس زبان فارسی یعنی فنون، روال و تکنیک‌های آموزش آن را بیان کنیم.

نخست به این پرسش پاسخ می‌دهیم که منظور از «روش» چیست؟ به‌طور کلی روش تدریس دو معنا دارد:

۱. مطالعه روال‌ها^۱ و روش‌هایی که در تدریس به کار می‌رود.
۲. اصول و قواعدی که زیرساخت این روال و روش‌هاست، به این معنا که معلم چطور درس می‌دهد؟ و چرا این‌گونه درس می‌دهد؟ بنابراین روش تدریس شامل موارد سه‌گانه زیر است:

۱. روش تدریس به مطالعه ماهیت مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبانی و شیوه تدریس آنها می‌پردازد. به‌طور مثال، منظور از مهارت خواندن چیست؟ پاسخ به این سؤال بر نحوه تدریس تأثیر می‌گذارد. به همین ترتیب، مهارت‌های شنیدن، صحبت کردن، نوشتن یا مؤلفه دستور. برای مثال، اگر دستور را نحوه ساخت جمله بدانیم، به یک شیوه مشخص آموزش می‌دهیم و اگر آن را یک نظامی بدانیم که بر تمام رفتارهای زبانی تأثیر می‌گذارد، شیوه دیگری برای تدریس آن برمی‌گزینیم. همچنین، تعریف ما از واژه نیز بر انتخاب نوع روش تدریس آن مؤثر خواهد بود.

۲. مطالعه نحوه تهیه طرح درس؛ یعنی نحوه تهیه مواد آموزشی و کتب درسی مربوط به مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبانی، بر روش تدریس آنها تأثیرگذار است.

۳. نظام ارزشیابی^۳.

به‌طور کلی، روش تدریس به مفهوم مطالعه ماهیت مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبانی، نحوه طراحی محتوا و نحوه ارزشیابی است.

¹ procedures

² methods

³ evaluation

با ذکر این مقدمه، در این بخش صرفاً به ماهیت مهارت‌ها و مؤلفه‌های زبانی یعنی روش تدریس می‌پردازیم. در این مفهوم روش تدریس عبارت است از: «روش‌ها، روال‌ها، اصول و عقایدی که بر تدریس ما تأثیرگذار هستند» به عبارت دیگر «من چه چیزی را چگونه تدریس کنم؟ ماهیت آن چیزی که تدریس می‌کنم چیست؟».

پیش از ورود به بحث باید اشاره شود که روش‌های آموزش زبان یک سیر طولانی را طی کرده‌اند و اصطلاحاً یک سیر تکوینی داشته‌اند. روش‌های پیشین را باید شناخت تا روش خوبی برای آینده انتخاب کرد. کسانی که گذشته را نمی‌شناسند، برداشت سطحی‌ای از وضع موجود دارند و در نتیجه آینده‌ای ناپایدار و ضعیف خواهند ساخت. شناخت روش‌های مطرح شده پیشین و دلیل کنار گذاشته شدن آنها، مقدمه مهمی برای درک روش‌های بعدی است.

به‌طور کلی روش تدریس غالب، در قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم روش «دستور-ترجمه»^۱، یعنی در فاصله زمانی هفتاد تا هشتاد سال پیش این روش در کل دنیا متداول بود. سپس، روش «شنیداری-گفتاری»^۲ یا «روش ارتش»^۳ جای آن را گرفت. چند دهه بعد، این روش نیز جای خود را به رویکردهای ارتباطی^۴، همان‌طور که پیشتر بیان شد، این تغییر ناشی از تغییری است که در روان‌شناسی، زبان‌شناسی و فلسفه اتفاق افتاده است. یعنی زمانی که روش تدریس «دستور-ترجمه» و «شنیداری-گفتاری» را انتخاب کرده‌ایم، به ترتیب آموزش زبان را معادل «آموزش متون» و «آموزش دستور زبان» در نظر گرفته‌ایم. در حال حاضر، زبان را وسیله‌ای برای ارتباط تلقی می‌کنیم، لذا بر رویکردهای ارتباطی تأکید می‌کنیم.

جان کلام این است که در روش‌شناسی آموزش زبان دوم/خارجی، تاریخچه‌ای وجود دارد که آشنایی کلی با آن برای هر معلم زبان فارسی یک ضرورت

^۱ Grammar-Translation Method

^۲ Audio-Lingual method

^۳ (Army Method)، این روش در جنگ جهانی دوم، توسط ارتش ابداع شد.

^۴ Communicative

اجتناب ناپذیر است. ما در صورتی می‌توانیم صاحب یک روش خوب شویم، که همه روش‌ها را بشناسیم.

کلاس، محل نمایش معلم و محل کار او است. کلاس اصطلاحاً صحنه نمایش است که معلم در آنجا باید نقش خودش را به بهترین شکل ایفا کند. معلم زبان باید همه روش‌ها را بشناسد و از بهترین روش استفاده کند.

در طول پنجاه سال اخیر، یعنی از دهه ۱۹۷۰ به این سو، «آموزش زبان ارتباطی»^۱ مطرح شده، که با نام اختصاری CLT شناخته شده است. برخی از پیشکسوتان آموزش زبان فارسی نام آن را در زبان فارسی «آزا» گذاشته‌اند، یعنی زبان را ابزاری برای بیان معنی می‌دانیم و هدف آموزش هم رفع نیازهای ارتباطی است. یعنی این رویکرد نیازمحور^۲ و یادگیرنده‌محور^۳ است. این روش در قالب‌های مختلفی اجرا می‌شود که یکی از آنها تکلیف‌محور^۴ است. اگر هدف معلم از آموزش زبان ارتباط باشد، به کاربرد زبان توجه ویژه‌ای دارد. به عنوان مثال، در آموزش ساختار جملات سؤالی، همزمان با آموزش ساختار، به کاربردهای آن نیز می‌پردازد. بنابراین، زبان‌آموزی که به این شیوه آموزش دیده است، در موقعیت‌های خاص می‌تواند نیازهای خود را برطرف کند.

به گفتگوی زیر توجه کنید:

فروشنده: بفرمایید! امرتان!

فارسی‌آموز: سسس ل ل ل... سلام.

فروشنده: در خدمتم...

فارسی‌آموز:(سکوت کامل و قطع ارتباط)...

^۱ Communicative Language Teaching

^۲ need-based

^۳ learner-based

^۴ Task-Based Teaching (=TBT)

در نمونه بالا فارسی‌آموز در پاسخ به جمله فروشنده، با تردید پاسخ داده است زیرا او زبان فارسی را با اهداف ارتباطی یاد نگرفته و همیشه انتظار دارد گفتگو با «سلام» آغاز شود.

۱-۴. سیر تکوین روش‌های تدریس زبان

پیش‌تر اشاره شد که روش‌های آموزش زبان، یک سیر تکوینی را طی کرده‌اند و مدرسان زبان فارسی باید با این سیر آشنا باشند تا از یافته‌های این مسیر استفاده کنند. بنابراین برای اجرای موفق تدریس حتماً باید بدانیم که روش‌های پیشین چگونه شکل گرفته و چگونه منسوخ شده‌اند، البته ذکر این نکته لازم است که هیچ روشی به‌طور کامل کنار گذاشته نشده است بلکه هر روشی تأثیر خود را بر روش بعدی می‌گذارد و باعث توسعه و تکمیل آن خواهد شد.

به‌طور کلی در آموزش زبان، سه دوره را طی کرده‌ایم: (۱) یک دوره طولانی به‌نام «دوره ترجمه»، یعنی آموزش زبان به معنی آموزش ترجمه و دستور زبان هم معادل جمله‌سازی بوده است. (۲) دوره «سمعی-بصری» که نقطه اوج آن روشی است به نام روش «گفتاری-شنیداری» یا «روش ارتش» که در بسیاری از نقاط جهان اکنون نیز در حال استفاده است. (۳) رویکردهای ارتباطی که تقریباً از پنجاه سال پیش شروع شده و دائماً در حال رشد هستند،

در همین رابطه، نکته اول اینکه روشی مثل «دستور-ترجمه» که سابقه آن حداقل به صد و پنجاه سال پیش می‌رسد و بیشتر کشیش‌ها و کسانی که به تبلیغ دین مسیح می‌پرداختند از آن استفاده می‌کرده‌اند، هنوز هم روش غالب در بسیاری از نقاط جهان است. روش «گفتاری-شنیداری» نیز همچنان با استقبال زیادی روبرو است. منظور از سیر تکوینی کنار گذاشتن کامل روش‌ها نیست؛ زیرا هنوز هم از آن‌ها استفاده می‌شود و در پاره‌ای از موارد استفاده درست و دقیق از آنها می‌تواند موفقیت‌آمیز نیز باشد.

ما باید از روش‌های نوین آموزش زبانی استفاده کنیم که برگرفته از یافته‌های جدید عملی و علمی باشد. با توجه به یافته‌های بدست آمده از تجربه‌های ثبت شده در کلاس درس از نقاط مختلف جهان، بر این باوریم که رویکردهای ارتباطی

مناسب‌تر هستند. آموزش زبان فارسی با اهداف ارتباطی می‌تواند برای بسیاری از فارسی‌آموزان خارجی یا ایرانیان خارج از کشور راهگشا باشد.

نمونهٔ اعلاّی روش تدریسی که تأکید بر دستور دارد همان روشی است که به آن روش «دستور-ترجمه» می‌گویند. در این روش، دستور زبان و ترجمه مهم است. نام دیگر این روش، روش «غیرمستقیم» است. دلیل این نامگذاری آن است که رابطهٔ بین فرد و زبانی که یاد می‌گیرد با وساطت و زبان مادری و از طریق ترجمه است. برای مثال، یادگیری زبان انگلیسی به کمک زبان فارسی. این روش، آموزش زبان را معادل آموزش دستور به شیوهٔ سنتی و معادل آموزش متون می‌داند و کارکردهای خاص خود را دارد. ما به هیچ عنوان این روش را رد نمی‌کنیم چرا که در بسیاری از موارد برای آموزش ادبیات فارسی روش مناسبی است.

باتوجه به اینکه توانش ارتباطی زبان‌آموزان در روش «غیرمستقیم»، تقویت نمی‌شد، به همین دلیل جای خود را به روشی به نام «مستقیم» داد. هدف روش «مستقیم» این بود که ترجمه را کنار بگذارد تا زبان‌آموز به طور مستقیم وارد زبان جدیدی شود که در حال یادگیری آن است. این روش را نیز کلیسا ابداع کرد زیرا معتقد بود که ترجمه گناه است! بنابراین، تمرکز این روش بر مهارت‌های شنیدن و صحبت کردن است و بر این اساس درون‌داد زبان‌آموز در کانون توجه قرار دارد و محتوای آموزشی بر پایهٔ مهارت‌های خواندن و شنیدن تدوین می‌شود. این روش در برخی موارد موفق بوده و در برخی موارد نیز با شکست روبرو شده است.

روش‌های «غیرمستقیم» و «مستقیم» پایهٔ روان‌شناسی، زبان‌شناسی و فلسفهٔ مشخصی ندارند. عمدتاً حاصل تجربهٔ کلیسا در ترویج دین مسیح هستند. اکنون نیز در بعضی مراکز دینی ایران مانند حوزه‌های علمیه، از روش «دستور-ترجمه» استفاده می‌شود. بنابراین، برای کاربردهای خاص، می‌تواند روش مناسبی باشد، اما برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و به خارجی‌ان، هیچ کدام از این دو روش مناسب نیستند.

¹ direct method

How to Teach Persian

Written By:
Reza M. Sahraei, Ph.D.



First published 2020 by Neveeseh Parsi
© 2020 Neveeseh Parsi Publications

All rights reserved.

No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without prior permission of Neveeseh Parsi.

Tehran- Iran

Email: info@neveeseh.com
Printed in Iran